

هو الله تعالى

یا حیدر قبل علی بگو یا اهل ارض آذان را از برای این کلمه مبارکه از آنچه شنیده‌اید مقدس نمایند لعلّ فائز شوید بآنچه از برای او خلق شده‌اید امروز از سدره مبارکه که در قطب فردوس اعلی بید اراده غرس شده این کلمه علیا اصغا گشت تالله قد ظهر ما لا ظهر فی ازل الآزال انصفوا یا ملأ الأرض و لا تكونوا من الغافلین قوموا علی تدارک ما فات عنکم سوف تمضی الاّیام و ترون انفسکم فی خسران مبین

یا حیدر قبل علی علیک بهائی انت الذی الّفت بین القلوب بکلمه ربّک و نطقت بما یقرّب النّاس الی الله الفرد الخبیر یا حسین انا ذکرناک مرّة بعد مرّة و انزلنا لک ما تقرّ به عیون المقرّبین انشاءالله بنار محبت الهی مشتعل باشی و بر خدمت امر قائم قسم بانوار آفتاب معانی که از افق سجن اشراق نموده این ایام انسان قادر است بر تحصیل مقام باقی و نعمت باقیه و مائده دائمه ایام در مرور و مکلم طور بر عرش ظهور مستوی طوبی لک بما ادرکت ایامه و فزت بالاقبال الی افقه و قمت علی خدمة امره العزیز العظیم

یا دائی بافتاب این کلمه علیا که از افق سماء قلم اعلی اشراق نموده ناظر باش من کان لی اکون معه لا شکّ فی ذلک قد شهد بذلک لسان العظمة فی هذا السّجن العظیم ذکرت مکرّر از لسان جاری قدر این مقام اعلی را بدان و باسم مالک اسماء حفظش کن زود است آنچه از عدم آمده بعدم راجع گردد و المقرّبون بیرون ما قدرّ لهم من لدی الله ربّ العالمین هیچ امری در منظر اکبر مستور نبوده و نیست ان ربکم معکم یسمع و یری و هو السّميع البصیر اجر هر عملی عندالله محفوظ انه هو الحافظ القویّ الغالب القدیر

یا عطاء علیک بهاء الله مالک الاسماء و فاطر السّماء چندی قبل از خزانه قلم اعلی لالی بدیعۀ منیعۀ ارسال نمودیم لتفرح و تشکر ربّک العظیم الحکیم یا عطا حقّ بی ناصر و معین در سجن اعظم بذکر اولیا مشغول جنودی که الیوم ناصر و معین امرند اعمال طیبه و اخلاق مرضیه بوده و هست و رئیس این جنود تقوی اللّهبست بگو ای عباد امروز روز ذکر و ثنا و روز خدمتست بحر معانی موج آفتاب حقیقت مشرق خود را محروم منمائید باسم حقّ اصنام اوهام را بشکنید جهد نمائید شاید فائز شوید بآنچه از برای او از عدم بوجود آمده‌اید یا عطاء علیک بهائی مکرّر آن جناب را امر نمودیم بر خدمت امر قم و قل یا قوم انّ القیوم امام وجوهکم ینادیکم الی الأفق الأعلی ایاکم ان تمنعوا انفسکم عن البحر الأعظم و ایاکم ان تمنعوا عن النّبیا العظیم هذا نبأ اخبر به رسول الله و بشّر به الکلیم اسمع ندائی ثمّ اعمل ما امرت به من لدن قویّ قدیر کذلک نطق اللّسان اذ کان المظلوم فی حزن مبین

یا علی ندای مظلوم در کلّ حین مرتفع و قلم اعلی در جمیع احوال متحرک از حقّ بطلب آذان را قابل این اصغا نماید و عیون را لایق مشاهده این انوار امروز هر نفسی باقبال فائز شد او در صحیفه حمرا از اهل بهاء مذکور و مسطور مائده حقیقی از سماء معانی در کلّ حین نازل و نعمت باقیه دائمه امام وجوه حاضر و مشهود ولکن عباد غافل و محجوب و ممنوع الا من شاء ربّک حمد کن مقصود عالمیان را که ترا موقّق فرمود بر عرفان اسم مکنون مخزون و از حقّ بطلب ترا مؤید فرماید بر استقامت بر این امری که فرائض مشرکین از آن مرتعد و افتده منافقین مضطرب مشاهده میگردد طوبی از برای عبدی که شئون عالم و شبهات امم او را از اسم اعظم محروم نمود و محجوب نساخت

یا محمد علی جمیع عالم منتظر ایام الله بوده و جمیع کتب الهی گواه این معنی و چون اشراقات انوار آفتاب ظهور از افق عالم ظاهر کلّ بر اعراض قیام نمودند مگر معدودی و باین هم اکتفا نرفت بر سفک دم اطهرش فتوی دادند و در مساجد بر منابر گفتند آنچه را که عین عدل گریست و قلم اعلی نوحه نمود در اقوال حزب قبل تفکر نما خود را بهترین اهل عالم

میشمردند و در یوم قیام پست‌ترین احزاب مشاهده شدند کذلک ارتفع صریر القلم الأعلى اذ كان المظلوم فى سجن مبین طوبى لك بما اقبلت فى یوم الله و سمعت ندائه و آمنت به اذ اعرض من على الأرض الا من حفظه الله فضلاً من عنده و هو الفضل الكریم

یا قلمی الأعلى اذكر من سمى بمحمد الذى شرب رحیق المعانى من ایدى العطاء و اقبل اذ اعرض كلّ عالم مریب انّ النار تنطق فى السدرة و النور ينطق من افقه و المنادى ینادى بین الأرض و السماء ولكنّ الناس فى نوم عجیب قد اهلكتهم جنود النفس و الهوى و هم لا يشعرون قل یا قوم اتقوا الرحمن و لا تتبعوا اوهام الذين كفروا بیوم الدین انا انزلنا الآيات و اظهرنا البیئات و القوم اكثرهم من الغافلین اشكر الله بهذا الفضل الأعظم انه ذكرک و هداک الى صراطه المستقیم قل لك الحمد یا مولی العالم و لك الثناء یا مقصود العارفين

یا رضا از حقّ بطلب ترا فائز فرماید برضای حقیقی قسم بمقرّ عرش اعظم هر نفسی بان فائز شد بكلّ خیر فائز است

بگو

الها کریماً رحیماً توئى آن سلطانی که بیک کلمهات وجود موجود گشت و توئى آن کریمی که اعمال بندگان بخششت را منع نمود و ظهورات جودت را بازداشت از تو سؤال مینمایم این عبد را فائز فرمائی بآنچه سبب نجاتست در جمیع عوالم تو توئى مقتدر و توانا و توئى عالم و دانا

یا هاشم قلم اعلى نصیحت میفرماید و امر مینماید اولیای خود را بآنچه سبب راحت و آسایش عالم است در لیالی و ایام از خزائن قلم اعلى لآلی حکمت و بیان ظاهر از حقّ میطلبیم عباد خود را از این موهبت کبری محروم نفرماید اوست بخشنده و مهربان

یا حسن از حقّ بخواه بیته بنا نمائی که اسس تقوی است و جدارش توفیق و سقفش امانت و دیانت هر نفسی اقبال نمود او لدى الله مذکور و از قلم مظلوم مسطور قدر یوم را بدانید و بخدمت امر قیام نمائید فضل حقّ شما را اخذ نمود و بشطر ایمن هدایت فرمود اوست کریمی که کرشم عالم را احاطه نموده و جودش من فی الوجود را

یا مهدی وجه مظلوم در این حین بتو توجه نمود هل تعرف من اقبل الیک وجه الله المهیمن القیوم و هل تعرف من یدکرک من کان مکنوناً مخزوناً فی ازل الازال یشهد بذلك لوح الله المحفوظ شکر کن مقصود عالمیان را که فائز شدی بآنچه ماکان و مایکون باو معادله مینماید اولیای آن ارض را تکبیر میرسانیم و آیات الهی متذکر مینمائیم شاید کلّ باستقامت فائز شوند و از ما سوی الله منقطع

یا حیدر قبل علی علیک بهاء الله و عنایته این ایام در بعضی از اهل این مدینه نار بغضا مشتعل هر هنگام از مشرق عنایت الهی نیر اذن لائح حاء و سین را هم اذن میدهیم باتفاق قصد نیر آفاق نمائید

یا اسم جود علیک بهائی نامۀ عندلیب علیه بهائی که بشما ارسال نموده در ساحت مظلوم حاضر و غصن اکبر عرض نمود و بشرف اصغا فائز گشت نسأل الله تعالی ان یؤیده و یمده و یوققه علی ذکره و ثنائه و ما ینبغی لأیامه انه جواد کریم

و نذکر من سمی بغلام علی و نذکره بآیاتی و نبشّره بعنایتی نسأل الله ان یؤیده علی ما یحبّ و یرضی و یفتح علی وجهه باب الفضل و العطاء انه هو مولی الأسماء و مالک العرش و الثرى و نذکر اخته و امه و نبشّرها بفضل الله ربّ العالمین

یا عندلیب انا سمعنا ندائک اجیناک بکتابی المبین طوبی لك بما اقبلت الى الأفق الأعلى و اعترفت بما اعترفت به لسان العظمة قبل خلق السموات و الأرضین کن ناطقاً باسمی و طائراً فی هوائی و متمسکاً بحبلی و متشبثاً بذیل رحمتی کذلک

یأمرک من عنده کتاب عظیم ایاک ان یمنعک شیء من الأشياء عمّا امرت به من لدى الله فاطر السماء کذلک اظهر البحر لآلی الحکمة و الشمس اشراقها و انوارها لتفرح و تكون من الشاکرین

يا اسم الجود قد انزلنا من سماء الفضل و العطاء لكل اسم كان في كتب الأبرار فضلاً من لدنا ان ربك هو المشفق
الكریم قل
لك الحمد يا الهی بما اقبلت من شطر سجنك الى عبادك و ذكرتهم بما لا يعادله شیء من الأشياء اشهد انك انت
الفضال الغفور الرحیم سبقت رحمتك و احاط فضلك لا اله الا انت العليم الحكيم البهاء المشرق من لدنا عليك و على الذين
ذكرناهم في هذا اللوح البديع

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۱۲ مه ۲۰۲۴، ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر